

وضعیت‌سنجی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب:

قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها

صادق سلیمی بنی*

چکیده

شناسایی نقاط قوت و ضعف و تشخیص فرصت‌ها و درک تهدیدات از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر استمرار و بقای تمدن‌ها و حکومت‌هاست. از این‌رو، کشف و استخراج متغیرهای چهارگانه مذکور ارتباط تنگننگی با تأمین یا کاهش و حتی از میان رفتن امنیت ملی، استمرار حرکت انقلابی و بقای حیات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. مقاله با این فرض، در پی کنکاش، استخراج و تبیین قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی فراروی نظام برآمده از انقلاب اسلامی در ابتدای دهه چهارم آن دارد. قوت‌ها و ضعف‌ها از عوامل درونی و فرصت‌ها و تهدیدات از عوامل خارجی و فرملی متأثر هستند.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، قوت، ضعف، فرصت و تهدید

مقدمه

برای شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها و تشخیص فرصت‌ها و درک تهدیدات، باید تداقی مشترکی از هریک از واژگان یادشده ترسیم شود. کارشناسان علوم اجتماعی، به خصوص نظریه‌پردازان علوم سیاسی اتفاق نظر واحدی درباره تعاریف واژه‌های مزبور ندارند. به همین دلیل تنها به بیان مقصود و تعریف خود از آن واژه‌ها بسنده می‌کنیم. با این وصف به استعدادها، قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گوناگون درونی یک نظام سیاسی که با بهره‌گیری از آنها می‌توان در عرصه‌های مختلف به اهداف مورد نظر دست یافت، نقاط قوت گفته می‌شود. به

dr.salimibeni@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۸

* استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی امام صادق (ع).

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۲۵

عنوان نمونه، اگر نوع استعدادها، ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های درونی از جنس فرهنگی باشد و هدف مورد نظر نیز در عرصه فرهنگی نشانه‌گیری شده باشد آن نقطه قوت از نوع فرهنگی به‌شمار می‌رود. به همین صورت در زمینه‌ها و عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی نیز نقاط قوت مورد نظر موضوعیت می‌یابد. به عوامل، پدیده‌ها، موقعیت‌ها و شرایط گوناگون داخلی که زمینه‌ساز تحمل خسارت، فریب و حتی شکست یک نظام سیاسی می‌گردد نیز نقاط ضعف می‌گویند. نقاط ضعف همانند نقاط قوت می‌تواند در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی و مانند آن مصداق پیدا کند. نکته مورد تأکید و درخور توجه ویژه این است که نقاط قوت و ضعف در هر نظام سیاسی جنبه درونی دارد و در عرصه داخلی آن کشور ظهور می‌یابد از همین رو، میزان تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت و افزایش دامنه قوت‌ها و کاهش میزان ضعف‌های یک نظام سیاسی، نقش بسزایی در تعیین معدل هنرمندی سیاست‌مداران و هیئت حاکمه کشورها دارد.

با وجود این، امکان بهره‌برداری به موقع و صحیح از شرایط و تحولات مختلف پیش‌آمده در عرصه خارجی به وسیله تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نظام‌های سیاسی، فرصت نامیده می‌شود. بهره‌گیری از این فرصت‌ها به منظور تحکیم علایق، اهداف، منافع و امنیت ملی صورت می‌گیرد و با توجه به جهت و سمت و سوی آن، به فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی و ... وصف می‌شود. علاوه بر اینها، تهدیدهای خارجی نیز مقصد، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات گوناگون رقبا و دشمنان در عرصه خارجی است که به منظور ممانعت از موفقیت و یا ایجاد مخاطره در دستیابی به علایق، مقصد، منافع بنیادین و امنیت ملی یک کشور اعمال می‌شود. گوناگونی تهدیدات متوجه یک نظام سیاسی، در عرصه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی - امنیتی و ... پدیدار می‌شود. استفاده نکردن حاکمان هر کشور از فرصت‌های پیش‌آمده (فرصت‌سوزی)، در اختیار دادن فرصت جدیدی به رقبا و دشمنان و نیز شکل دادن تهدید تازه‌ای علیه خود می‌باشد بر این اساس، هنر دولت‌مردان هر کشوری بر تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنهاست.

از آنجا که یکی از اساسی‌ترین کارویژه حکومت‌ها، در قلمرو فرهنگی تبلور می‌یابد مقاله حاضر درصدد است تا قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات خارجی در حوزه مسائل فرهنگی مرتبط با سرنوشت جمهوری اسلامی در سال‌های آغازین دهه چهارم انقلاب را شناسایی و در اختیار مسئولان، سیاست‌مداران، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و جامعه علمی کشور قرار دهد.

نقاط قوت فرهنگی

توانمندی‌هایی که نتیجه تحول در نظام حاکمیتی ایران بعد از سال ۱۳۵۷ بود، جمهوری اسلامی ایران را در عرصه داخلی از استعدادها، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های متعدد فرهنگی برخوردار ساخت که این

نقاط قوت فرهنگی، پویایی و بالندگی فردی و اجتماعی جامعه ایران را سبب شده است. مهم‌ترین قوت‌های فرهنگی ایران اسلامی در ابتدای دهه چهارم انقلاب بدین شرح هستند:

یک. مدل تحول و توسعه انسانی دین‌محور

انسانی که دنیشه انقلاب اسلامی معرفی می‌کند، به کلی با انسان غرب و شرق متفاوت است. دنیشه انقلاب اسلامی ایران ضمن رد کمونیسم و لیبرال-دمکراسی معتقد است که مکاتب اومانیستی نگاهی کاملاً تکبُعدی به انسان و بالتبع آینده آن دارند و الگوی پیشرفت آنان نیز به همین دلیل کاملاً تکبُعدی (ماتریالیستی) است. در همین زمینه، رهبر فرزانه انقلاب معتقدند:

پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یکبُعدی می‌بینند آنها با یک جهت - جهت مادی به پیشرفت نگاه می‌کنند (بیانات در ۱۹ مهر ۱۳۹۱)

هدف زندگی در انسان منقلب اسلامی بسیار درونی‌تر و ریشه‌ای‌تر از انسان شرطی‌شده مادی است؛ بهنجوی که رفتار انسان انقلابی از عمیق‌ترین لایه وجودی او پشتیبانی می‌شود، نه صرفاً بر اساس لگیزه مادی. اراده، شور و نشاط، خلاقیت، امید و حتی رفاه مادی با معیارهای معنوی ارزیابی می‌شود و موتور محرکه پیشرفت، لگیزه‌های اعتقادی و نه صرفاً مادی است. با این فرض، پیشرفت بعد جدیدی پیدا می‌کند؛ زیرا رسیدن به مقام عبودیت، هدف نهایی این پیشرفت تلقی می‌گردد.

به بیان رهبر معظم انقلاب، «پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال، یعنی جنبه معنوی، جنبه الهی؛ این هم جزء پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهایی ماست». (همان)

البته در این نوع نگاه، دنیا در نسبت با عبودیت تعریف می‌شود و نقش مزرعه را برای آخرت به دوش می‌کشد (احسائی، ۱۳۸۷: ۱ / ۳۶۷) در واقع، کاملاً مشخص است که انسان انقلاب اسلامی مقاومتر و مصمّم‌تر از انسان شرطی شده است و این خود امتیازی است فرهنگی و منحصر به فرد که در عصر حاضر تنها در جمهوری اسلامی یافت می‌شود.

دو. یگانگی ارزشی و آرامش فرهنگی

هنگامی که تکوین یک حکومت با پذیرش عمیق عمومی و بلکه همزادپنداری جامعه با حکومت همراه شود، دیگر ایجاد شکاف بین حکومت و آحاد مردم امری دور از ذهن می‌نماید.

در این بین، ولایت به عنوان رشته اتصال عبد و معبود، نقش زیربنایی در جامعه و حکومت پیدا می‌کند و تعیین‌کننده حوزهای مختلف رفتار فردی و اجتماعی خواهد بود. دنیشه مطرح شده توسط انقلاب اسلامی نیز با تکیه بر ولایت و استفاده از ظرفیت فقه جعفری پایه‌های حکومتی خویش را بر این اصل قرار می‌دهد.

نوع رابطه مردم با ولایت در انقلاب اسلامی تعیین‌کنندترین پارامتر در ثبات سیاسی جامعه اسلامی ایران

است که می‌توان از ابتدای انقلاب، در جنگ تحمیلی، تهاجم فرهنگی و جنگ اقتصادی این رابطه را بررسی کرد. مردم به اصول کلی و اهداف عالی انقلاب اعتقاد دارند؛ اعتقادی که در مسیر پیشرفت عبودیت عمومی جامعه می‌گنجد این دره‌پندگی بین امت و امام تنها در نظام دینی شیعیان یافت می‌شود و تنها این نظام از این ظرفیت بنیادین برخوردار است.

به طور کلی، ثبات و آرامش، کلید هر حرکت پیش‌رونده‌ای است و جمهوری اسلامی در این زمینه در بالاترین رتبه‌ها قرار دارد و توجیه عمومی مسائل کلان در این نظام بسیار راحت‌تر و سریع‌تر از نظامات دیگر است. بر پایه این نوع جهان‌بینی است که کلیدواژه‌هایی چون جهاد، شهادت، ایثار و یک‌دستی دینی جامعه معنا پیدا می‌کند و به عنوان توئندی‌های خاص نظام اسلامی برای حیات و ادامه مسیر مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد راه استفاده هرچه بیشتر از این ظرفیت‌های تاریخی، از نظر کارکردی، نقش نرم‌افزار یک سیستم را بازی می‌کنند بازتوزیع مناسب ارزش‌ها در جامعه و توجه ویژه به جامعه‌پذیری فرهنگ انقلاب اسلامی در نسل‌های بعدی است.

سه. تطبیق فرهنگ عمومی با آموزه‌های اسلام

اگر فرهنگ را در مجموعه پیچیده‌ای از دست‌ها، باورها، هنر، عادت و آداب و رسوم خلاصه کنیم که لسان آن را از محیط خود کسب می‌کند و به نسل دیگر انتقال می‌دهد، باید گفت که فرهنگ عمومی کشور و ملت ایران با آموزه‌های دین اسلام پیوند دیرینه و گسست‌ناپذیر خورده است. به دیگر سخن، متغیرهای فرهنگ، مانند هنر ایرانی و آداب و رسوم ایرانیان متأثر از ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی است که این خود بهترین نقطه قوت برای فرهنگ یک ملت است و ایرانیان از این نعمت برخوردارند.

چهار. برخورداری از تمدن کهن ایرانی اسلامی

تمدن باستانی ایران میان کانون‌ها و تمدن‌های قدیم و جدید محصور و در طول تاریخ کهن خود از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است.

با ورود اسلام به سرزمین ایران و پذیرش ارزش‌های الهی و آموزه‌های دینی اسلام توسط مردم آن، فرهنگ و تمدن باستانی و بیش از شش هزار ساله ایران، با بهره‌گیری از اصول اسلامی، غنی‌تر از گذشته در سیر تکامل گام نهاد.

ایران امروز با طی تاریخ پر فراز و نشیب، در طول سالیان متمادی واجد ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی منحصر به فرد و وسوسه‌انگیزی گردیده که در طول تاریخ معاصر، طمع جهان‌گشایان و استعمارگران را برای خشکاندن ارزش‌های فرهنگی و از میان بردن آثار تمدنی آن از طریق تسلط بر آن بر لگبخته است. پشتوانه ایدئولوژیک فرهنگی، زبان، ادبیات، سوابق و اسطوره‌های فرهنگی، آثار باستانی و لنبه‌های

تاریخی از جمله عوامل هم‌گرایی فرهنگی ایرانیان است که مصادیق هر یک از این مفاهیم، خود به تنهایی نقطه قوت فرهنگی قابل مباحثات و افتخارآفرین برای حاکمان و شهروندان ایرانی به شمار می‌آید. شمار شعرا، فلاسفه، اطباء، اخترشناسان، ریاضی‌دانان، عالمان دینی و مہم‌تر از همه، شخصیت‌های مذہبی و وقایع تاریخی ماندگار نظیر امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام در حماسه عاشورا، از پشتوانه‌های ارزشمند و گرندقدر فرهنگ و تمدن ایران است که از این حیث در میان سایر تمدن‌ها به تمدن ایران برجستگی ویژه‌ای بخشیده است.

پنج. گرایش به دانش‌اندوزی

یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر پیشرفت و یا پسرفت فرهنگ جوامع بشری متغیر سواد، سطح تحصیلی و رغبت شهروندان به فراگیری علم است. در واقع، هرگونه تغییر در این متغیر، تحول در فرهنگ را در پی خواهد داشت. با این وصف، از زمان پیروزی انقلاب تا کنون در حوزه فرهنگ عمومی کشور، چرخش و تحول چشمگیری رخ داده و رغبت اجتماعی مردم برای کسب علم و دانش، بیش از پیش شده است. گسترش تحصیلات دانشگاهی و حوزوی و استقبال بیش از پنجاه درصدی مردم ایران از آن، سبب تعمیق و گسترش ارزش‌های فرهنگی و عقلانیت رفتاری در میان شهروندان جامعه ایران گردیده که این متغیر یکی از نقاط مثبت فرهنگی ایرانیان امروز در پایان دهه سوم انقلاب محسوب می‌شود.

شش. تحول در ایفای نقش زنان

در بسیاری از جوامع امروزی، جایگاه و موقعیت زن به پایین‌ترین سطح خود، در حد موجودی در خدمت جاذبه‌های شهوانی و عامل تبلیغاتی تنزل کرده است. در ایران قبل از انقلاب نیز نگرش هیئت حاکمه کشور بر موجودی که از دامن او مرده معراج می‌رسد، این چنین بود. اما در حال حاضر جایگاه لصلیل زن به عنوان زیربنای اجتماع سالم و من و نقش آن در جامعه‌سازی باز یافت شده است. فعالیت سازنده و چشمگیر زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، تہذیب، تربیت، تحصیل و قدرت سیاسی، برگ جدیدی از نقش‌آفرینی زن را در تاریخ کشور رقم می‌زند. آنچه از منظر جامعه‌شناختی در ارتباط با فعالیت‌های زنان اهمیت دارد، تحول نقش زن ایرانی از خانه‌داری صرف به قبول کارکردهای اجتماعی و پذیرش نقش‌های جدید است. این تحول از زمان شکل‌گیری انقلاب شروع و به تدریج دامنه و سطح آن گسترش یافته است. برخی از مہم‌ترین جلوه‌های ایفای نقش جدید از سوی زنان در تاریخ جدید کشور بدین قرار است:

یک. حضور چشمگیر و پرشور در کنار مردان در راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه رژیم شاه؛
دو. نقش‌آفرینی در عرصه‌های مختلف دفاع مقدس همانند تهیه اقلام مورد نیاز رزمندگان، پرستاری از مجروحان و مصدومان، پر کردن خلأ وجود مردان رزمنده در خانه؛

سه. تحصیل علم و دانش‌آموزی در مقاطع و رشته‌های مختلف تحصیلی در حوزه و دانشگاه؛
چهار. پژوهشگری و تحقیق و حضور در لجن‌های علمی همانند شیمی، فیزیک و ... ؛
پنج. پذیرش مسئولیت‌های سیاسی از نمایندگی مجلس و شوراهای تا معاونت ریاست جمهور و ریاست سازمان‌های دولتی؛

شش. حضور فعال و گسترده در سازمان‌های غیردولتی (NGO)؛

هفت. حضور در عرصه‌های مختلف بسیج و کسب آمادگی دفاع.

درحالی‌که در برخی از کشورهای پیرامونی ایران، زنان از بسیاری از حقوق اجتماعی و شهروندی همانند حق رأی و راندگی و ... محرومند، رد نگرش تبعیض‌آمیز به جنس زن و فراهم ساختن زمینه‌های شکوفایی استعدادها و در جامعه اسلامی ایران و حضور چشمگیر و فعال آنان در عرصه‌های مختلف همراه با رعایت شأن، موقعیت و محدودیت‌های جنسیتی، یکی از نقاط مثبت فرهنگی جامعه ما محسوب می‌شود.

هفت. نوع دوستی و احساس همدردی نسبت به هم‌نوع

نوع دوستی یکی از متغیرهای مثبت فرهنگی است که در صورت وجود و نهادینه شدن در افکار و رفتار شهروندان یک جامعه، احساس بی‌پناهی، واگرایی و فردگرایی از مردمان آن جوامع رخت بر می‌پندد. مسلمانان ایرانی به این سروده شاعر ایران زمین، سعدی مباحث می‌کنند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار

مردم نوع دوست ایران اسلامی با عمل و کردار بشر دوستانه خود، وجود این موهبت فرهنگی الهی خود را در مناسبت‌های مختلف به نمایش می‌گذارند.
مهم‌ترین جلوه‌های همدردی و نوع دوستی مردم کشورمان در رخدادها، مناسبت‌ها و موضوعات پیش رو وجود دارد:

یک. دستگیری از ایتم و فقا؛

دو. کمک به نیازمندان اجتماعی زیان دیده از حوادث غیر مترقبه طبیعی همانند سیل و زلزله ... ؛

سه. ساخت مکان‌های عام‌المنفعه و تأسیس بناهای فرهنگی مذهبی نظیر تکایا، مساجد، مدارس و ... ؛

چهار. راه‌اندازی جشن‌ها و مناسبت‌های مختلف نظیر جشن نیکوکاری و عاطفه‌ها برای جامعه‌پذیری و

فرهنگ‌سازی مشارکت در حل مشکلات بنای بشر؛

پنج. تأسیس لجن‌ها و سازمان‌های خیریه مردمی غیردولتی خودگران از مشارکت‌های مردمی همانند

راه‌اندازی و تأسیس صندوق‌های قرص الحسنه.

برخی از جنبه‌های فرهنگی عاطفی پیش‌گفته در سایر ملت‌ها نیز یافت می‌شود، اما ایرانیان از این منظر از برجستگی ویژه‌ای برخوردارند شاید وجه ممیزه مردم ایران با سایر ملت‌ها در این ارتباط، برگرفته از اعتقادات مذهبی آنهاست که زیربنای فرهنگی آنان است. در واقع، این نقطه قوت فرهنگی شهروندان ایرانی با رویکرد تکلیف‌گرایی مذهبی محقق می‌شود.

هشت. سایر قوت‌های فرهنگی

علاوه بر موارد پیش‌گفته، جمهوری اسلامی از نقطه قوت‌های ویژه‌ای نیز برخوردار است: یک. وجود مراجع، علما، روحانیت، حوزهای علمیه و رابطه مردم با مرجعیت که از نظر اعتقادی یکی از

مهمترین قوت‌های فرهنگی کشور است؛

دو. وجود مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و برگزاری مراسم عبادی و سیاسی در آنها؛

سه. برقرار بودن نمازهای جمعه و جماعات و وحدت و هم‌گرایی اعتقادی مردم در آن اجتماعات؛

چهار. روحیه ایثار، جهاد و شهادت‌طلبی که پس از انقلاب و جنگ در ملت پدیدار گشته است؛

پنج. بهر‌مندی از آثار دفاع مقدس، به‌عنوان ذخیره‌های معنوی و فرهنگی؛

شش. تکثیر مطبوعات، کتب، مجلات، مراکز آموزشی، تحقیقاتی و پژوهشی کارآمد، مفید و سودمند

نقاط ضعف فرهنگی

ایران اسلامی از نقاط قوت فرهنگی بسیار برخوردار است، اما در حال حاضر برخی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی نیز در جامعه ما یافت می‌شود که مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود.

یک. ناهنجاری‌های اجتماعی

ارزش‌های فرهنگی خاص هر جامعه، ریشه در اعتقادات مردم آن جامعه دارد. در صورتی که افراد جامعه عملکرد رفتاری خود را با ارزش‌های حاکم بر جامعه منطبق و هماهنگ سازند، رفتار شهروندان آن جامعه «بهنجار» و در غیر این صورت «ناهنجار» است.

مدگرایی، خانه‌گریزی، طلاق و اعتیاد، کجروی مدیران فرهنگی، غرب‌آرمانی و مانند آن، مهم‌ترین

ناهنجاری‌های جامعه ما را تشکیل می‌دهد که در ادامه به بررسی مختصر آنها می‌پردازیم:

۱. مدگرایی

نوگرایی یکی از تمایلات فطری و کشش‌های درونی بشر و عامل پیشرفت آن به حساب می‌آید که در صورت خارج شدن از مسیر اعتدال و افراط‌گرایی در آن تبدیل به رفتار ناهنجاری خواهد شد. آنچه در این بحث مورد نظر است، ملاحظه جنبه‌های فرهنگی و ارزش بومی از سوی شهروندان در نوگرایی است؛ زیرا نوگرایی تقلیدی یا مدگرایی جعلی بدون توجه به مختصات فرهنگ بومی (دینی - ملی) به‌دلیل اصیل و

منطبق نبودن با ارزش‌های جامعه، ضعف درونی فرهنگی تلقی می‌شود. به عنوان مثال تصور دختران و پسرنی که با لباس‌های مختلف و با مارک‌ها و اشکال مختلف گوناگون هر روز به دنبال مدی جدید هستند، از مصادیق نوگرایی بومی خارج و به عنوان مد جعلی به حساب می‌آید. (روزنامه خراسان، ۱۳۷۹/۱۱/۲۳؛ روزنامه همبستگی، ۱۸ و ۱۳۸۱/۷/۲۰)

۲. خانه‌گریزی

یکی از آسیب‌های بسیار پیچیده اجتماعی که مراکز رسمی و غیر رسمی در کلان‌شهر تهران و با درجات کمتر در دیگر شهرهای کشور با آن درگیر هستند، پدیده خانه‌گریزی نوجوانان و جوانان است. تا حدی که بنابر آمار، پنجاه و دو درصد از دختران فراری را شهر تهران و شهرهای مشهد و کرج هر کدام شش درصد و سایر شهرها، سی و شش درصد از دختران فراری را در خود جای داده است. این پدیده عموماً در میان دختران بیش از پسران رواج دارد؛ از این رو، به پدیده «دختران فراری» یا «دختران خیابانی» شهرت دارد. خانه‌گریزی تنها به فرار از خانه محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای تلخ و زبان‌بار اجتماعی دیگری نیز به دنبال دارد که افتادن در دام اعتیاد و شبکه‌های فساد و قاچاق به کشورهای پیرامون از جمله آنهاست. (حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۲/۶/۳)

آمارهای تکان دهنده‌ای به طور رسمی و غیر رسمی از جانب منابع موثق و غیر موثق، در رسانه‌های داخل و خارج از کشور پیرامون این پدیده زشت بیان می‌شود که در بعضی موارد، بزرگنمایی و رگه‌هایی از سیاهنمایی وضع موجود برای نیل به مقصد سیاسی در ذکر آنها یافت می‌شود. اما آنچه قابل کتمان نیست واقییت خارجی وجود این پدیده نکیت‌بار است که زینده جامعه اسلامی ما نیست.

بر اساس یک تحقیق، در چهار ماهه منتهی به سال ۱۳۸۰ بیش از شصت هزار دختر نوجوان فراری توسط نیروی انتظامی دستگیر شده‌اند که گفته می‌شود آمارهای واقعی بیش از اینهاست. (روزنامه خراسان، ۱۳۸۱/۹/۱۰) به گفته مدیر کل نگهداری دختران فراری در تهران سن دختران فراری به نه سال رسیده است. (روزنامه توسعه، ۱۳۸۱/۹/۲۱)

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی نیز مدعی شد که اگر چه در حال حاضر بیشترین فراوانی سنی دختران فراری در سنین ۱۵ تا ۲۴ ساله است، اما متأسفانه در میان مواردی که برای ساماندهی به مراکز بهزیستی ارجاع داده می‌شوند، دختران فراری در سن ۱۳ سال هم دیده می‌شوند. (خبرنامه شماره ۸۵۰ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) آسیب‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان، مهم‌ترین علل فرار از خانه را به ترتیب اهمیت این گونه برشمرده‌اند: اختلاف با والدین و فرار از کتک خوردن، مسائل عاشقانه، اختلاف با نامادری و ناپدیری و مشکلات در امر ازدواج.

۳. افزایش طلاق

نسان در سیر تکاملی خود در مقطعی از زندگی که دوران جوانی نامیده می‌شود برای ارضای غرائز طبیعی و

جنسی و نیز استمرار نسل‌ها و فرزندآوری و مهجتر از همه اینها نیاز به تشکیل خانواده، با جنس مخالف خود ازدواج می‌کند در صورتی که شرایط فردی و اجتماعی برای تحقق چنین امر خطیری در هر جامعه‌ای فراهم آید رفتار بهنجار اجتماعی از این حیث در آن جامعه ایجاد و گسترش خواهد یافت.

طلاق و گسترش روزافزون این پدیده نلبه‌نجار از نظر فرهنگی نقطه ضعف جدی برای نظام سیاسی محسوب می‌شود. با نهایت تأسف برخی آمارهای تکان دهنده حکایت از افزایش بی‌رویه پدیده شوم طلاق در کشور ما دارد.

آمار طلاق به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است، به نحوی که از هر چهار ازدواج در تهران یک مورد به طلاق می‌انجامد کشورهای آمریکا، دانمارک و مصر به ترتیب پر طلاق‌ترین کشورهای جهان هستند که ایران پس از آنها در رتبه چهارم قرار دارد؛ اما با آمار طلاق که در حال رشد است، ممکن است ایران حتی به رتبه دوم و سوم صعود کند. آخرین آمارهای اعلامی بیانگر واقعیت تلخی است که در صورت عدم پیشگیری و درک وضعیت، پیامدهای زیانبار غیر قابل جبرنی در پی خواهد داشت. براساس آخرین آمار اعلام شده توسط قوه قضائیه، تعداد ازدواج و طلاق در سال ۱۳۸۲ به برابری رسیده است. سخنگوی قوه قضائیه در جمع خبرنگاران اعلام کرد که در سال ۱۳۸۲ جمعاً ۶۰۴۴۸۰ فقره طلاق در دفاتر رسمی به ثبت رسیده، درحالی‌که میزان ازدواج ثبت شده در این مدت ۵۴۶۷ فقره بوده است. (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۲/۱۲/۲۷)

بیکاری، اعتیاد، فساد، نزاع‌های خانوادگی، دخالت‌های اطرافیان، چشم و هم‌چشمی و توقعات بی‌جای طرفین، از عوامل اصلی طلاق است. (نشریه آبادی، ۱۳۸۲/۴/۴؛ نشریه دادرسی، بهمن و اسفند ۱۳۷۹)

۴. گسترش اعتیاد

هرگاه فردی در اثر مداومت و افراط در استعمال یک داروی خاص، خویشتن‌داری خود را از دست دهد و این کار او به حالت خود و اجتماع ضرر و زیان برساند به چنین فردی که عادت به استفاده از آن مواد پیدا کرده معتاد می‌گویند. تریاک، هروئین، حشیش و قرص‌های شادی آور از جمله مواد اعتیادآور هستند اعتیاد به عنوان یک پدیده نلبه‌نجار اجتماعی، بر عقل و جسم معتاد و اطرافیان او آثار زیان‌باری را بر جای می‌گذارد.

طی سال‌های گذشته این بلای خانمان‌سوز به طور روزافزونی در کشور ما افزایش یافته است. بنابر برخی آمارها، در سال ۱۳۷۹ تعداد معتادان دو میلیون نفر و میانگین سن آنان هجده سال در کشور بود که پنجاه درصد آنان را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می‌داند. (روزنامه خراسان، ۱۳۷۹/۲/۲۹)

بنابر گزارشی، خسارت ناشی از اعتیاد و مصرف مواد مخدر در کشور، ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سال است و هر دو ماه حدود ۲۲۱ جسد معتاد مجهول‌الهویه از سطح شهر تهران جمع‌آوری می‌شود (معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، ماهنامه هدایت، شماره ۱۸: ۸۹) و در هر سال حدود ۲۰۰ هزار نفر، قربانی اعتیاد تزیقی در کشور می‌شود. در یک حالت خوش‌بینانه حتی اگر کمترین آمار معتادان را که از سوی منابع رسمی

تأیید می‌شود مبنای قرار دهیم، حدود دوازده میلیون نفر از هم وطنان به نحوی مستقیم و غیر مستقیم با پدیده شوم اعتیاد درگیر هستند. (روزنامه همبستگی، ۱۳۸۲/۶/۲۹)

کسب وجهه اجتماعی، جلب توجه دیگران، پایین بودن سطح تحصیلات، فقدان اعتماد به نفس، سازگاری نداشتن با دیگران، بیکاری، عدم تمکن مالی و ناسازگاری والدین از جمله مهم‌ترین عوامل گرایش فرد به اعتیاد است. (روزنامه خراسان، ۲۱ و ۱۳۷۹/۲/۲۹)

ناهنجاری‌های اجتماعی همانند مدرگرایی، خانه‌گریزی، طلاق و اعتیاد که تنها بخش اندکی از ابعاد دلخراش آن تا به اینجا بیان شد، زنگ خطری را به صدا درمی‌آورد که در صورت بی‌توجهی مسئولان و مردم و گسترش روزافزون دلمنه آنها، فروپاشی سرمایه اجتماعی کشور را به دنبال خواهد داشت که خود نقاط ضعف فرهنگی دیگری را سبب خواهد شد.

دو. کجروی مدیران فرهنگی

یکی از آسیب‌های فرهنگی که در دهه سوم انقلاب و در دوره موسوم به اصلاحات، نظام جمهوری اسلامی را از درون به چالش کشاند، لحراف مدیران و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور از اسلامیت نظام و تأکید و عمل آنها بر آموزه‌های مبتنی بر لیبرالیسم فرهنگی بود. عمل به تز تساهل و تسامحی که از سوی سطوح مختلف مدیران، تأکید شد و باعث نگرش لیبرالی به مقوله فرهنگ گشت، کجروی مدیران فرهنگی از آرمان‌های انقلاب اسلامی را به اثبات رساند.

مدیرانی که به بهانه «توسعه فرهنگی» سکان مدیریت فرهنگی کشور را در دست گرفتند زمینه بروز برخی آسیب‌های فرهنگی را فراهم کردند که شماری از مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنیم:

۱. دلجویی و میدان دادن به عناصر طاغوتی در عرصه فرهنگ و مطبوعات همانند:

الف) غلامحسین صالحیار آخرین سردبیر روزنامه اطلاعات در زمان شاه که مقاله‌نویس روزنامه زنجیرهای توقیف شده توس بود. او بعدها با مسعود بهنود در نشریه نیای سخن به فعالیت پرداخت. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۷/۱۶)

ب) بهمن فرمان‌آرا، کارگردان طاغوتی و همکار شوهر اشرف پهلوی که پس از بیست سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت. او در دوره اصلاحات اولین فیلم خود در ایران را با نام «بوی کافور، عطر یاس» ساخت و در این فیلم مدعی شد که ایران تا قبل از خرداد ۷۶ بوی مرگ، نیستی و کافور می‌داد و پس از دوم خرداد بوی زندگی و عطر یاس به خود گرفته است. این فیلم در نوزدهمین جشنواره فیلم فجر با هدایت وزیر ارشاد وقت، مهاجرانی، برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد. وزیر وقت ارشاد هنگام اعطای جایزه به فرمانفرما گفت: «این جایزه پیامی است برای همه هنرمندان ایرانی مقیم خارج که به ایران بازگردند و به تولید آثار هنری بپردازند». (همان)

۲. میدان دادن به مطبوعات شبه‌افکن

مدیران فرهنگی کشور در دوره اصلاحات با صدور مجوزهای پی‌درپی به مطبوعات و نشریات نوظهوری که بعدها به مطبوعات زنجیرهای معروف شدند، پرده دیگری از کجروی خود را به نمایش گذاشتند پس از آنکه عملکرد بردارنده بسیاری از آنها محرز و از سوی قوه قضائیه حکم توقیف آنها صادر شد، مدیران یاد شده نه تنها با دلسوزان کشور و مقام معظم رهبری همراهی نکردند بلکه با موضع‌گیری انتقادی و جبهه‌گیری متمرکزه با دشمنان نظام نیز هم صدا شدند (رسایی، ۱۳۸۰: ۳۳۵ - ۳۴۱)

به عنوان نمونه معاون وقت مطبوعاتی وزارت ارشاد در شهریور ماه ۱۳۷۸ در عکس‌العملی چنین گفت:

با توجه به شناخت و ارتباطی که دارم اصحاب مطبوعات کشور را افراد صالحی می‌دانم، اما متأسفانه افرادی که صلاحیت ندارند ایراد بی‌مورد به مطبوعات می‌گیرند و اتهامات بی‌سلسله به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وارد می‌کنند (روزنامه صبح امروز، ۱۳۷۸/۶/۲۷)

آبرایت، وزیر امور خارجه صهیونیست و یهودی‌الاصل آمریکا نیز در یک موضع مشابه با مدیران کجروی فرهنگی کشور در قبال توقیف مطبوعات زنجیرهای این چنین عکس‌العمل نشان داد:

روزنامه‌های اصلاح‌طلب، آمریکا را دلگرم کرده بود آنچه اکنون در ایران اتفاق می‌افتد (توقیف روزنامه‌ها)، آمریکا را بسیار نگران کرده است. (ماهنامه پل‌سار اسلام، شماره ۲۴۶)

این در حالی بود که رهبری فرزته انقلاب در جلسات و نشست‌های مختلف مراتب ناخرسندی و اعتراض خود را در این ارتباط به مدیران فرهنگی لیبرال کشور اعلام کرد. ایشان فرمودند:

بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند پایگاه‌های دشمنند همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون بی‌دستی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند (سیری در مطبوعات، شماره ۲۳: ۳)

ایشان در جای دیگر فرمودند: «من از وزارت ارشاد راضی نیستم» (جمعی از روحانیون حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ۴۶) در هر حال مدیران فرهنگی کشور در دوران اصلاحات با اعطای وام‌ها، توزیع اقلام فرهنگی یارانه‌ای، فراهم ساختن فرصت‌ها و نیز انجام حمایت‌های معنوی از چهره‌های شاخص ضد فرهنگی^۱ به جای آنکه به دنبال ترویج و اشاعه آموزه‌های فرهنگی اسلام باشند، در عمل در بیشتر موارد بر ضد آن گام برداشتند.

سه. غرب‌آرمانی

برخی نخبگان روشنفکر و گروه‌های اجتماعی تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب به خویشتن خود و ارزش‌ها و

۱. نمونه آن، اعطای مجوز به بهروز افخمی نماینده مجلس ششم و نامزد رد صلاحیت شده مجلس هفتم برای راه‌اندازی تلویزیون خصوصی در خارج از کشور.

قلبیت‌های فرهنگی بومی باور نداشته و ضمن شیفتگی وافر به ارزش‌های حاکم بر جوامع غربی، بر تقلید افراطی از شیوه زندگی آنها اصرار و افتخار می‌کنند این پدیده از زمان مشروطیت با سفرهای مختلف به مغرب زمین و برخورد آنان با مظاهر تمدن غربی از یک سو و ترس یا سرسپردگی حکومت قاجار به قدرت‌های غربی از دیگر سو، در شماری از تحصیل کردگان غرب‌گرا شکل گرفت و در دوران حکومت پهلوی اول و دوم به اوج خود رسید ناآگاهی مردم نیز بر موج غرب‌آرمانی به عنوان یک نقطه ضعف فرهنگی زیان‌آور کمک شایان توجهی کرد. این موج در انقلاب ایران در مقاطع مختلف با شدت و ضعف در جریان بوده است. به عنوان نمونه در سال‌های نخست انقلاب بپیر کل نهضت آزادی، مهدی بازرگان، ایده‌آرمانی خود در ارتباط با غرب را چنین توصیف کرد:

زندگی که ما امروز داریم همه‌اش فرنگی است. طرز فکر ما، درس خواندن ما، مبارزه ما، انقلاب ما... تمام ارمغان غرب است. (نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱: ۲۴)

در دوره اصلاحات نیز غرب‌آرمانی از نظر فرهنگی توسط افراد از خودبیگانه فرهنگی و چشم‌دوخته به مظاهر تمدن و فرهنگ غرب به طرز فزاینده‌ای در مطبوعات مطرح و تبلیغ شد به عنوان نمونه عبدالکریم سروش درباره تمدن غرب چنین اعتقادی دارد:

دستاورد تمدن اسلامی صرفاً پرورش فقها بوده است نه پیشرفت علوم دیگر؛ بر خلاف تمدن غربی که عالم‌پرور و تکنولوژی‌پرور است. (نشریه کیان، ۱۳۷۸: ۹)

برخی جراید و ارباب قلم هم به غرب‌گرایی دامن می‌زنند که شماری از نوشته‌های آنان عیناً آورده می‌شود: «راه حل جامعه کنونی ایران در تبعیت از نظریه مدرنیسم است.» (ماهنامه نیای سخن، ۱۳۷۷) اگر آمریکا برای ما شیطان بزرگ است چطور برای قزاقستان یک فرشته است؟! (هفته نامه آبان، ۱۳۷۷)

چهار. خطر انقطاع فرهنگی نسل جوان و تضعیف ارزش‌ها در جامعه

در حال حاضر، از یک منظر شهروندان جمهوری اسلامی ایران به سه دسته قابل تقسیم هستند: دسته اول با درک رژیم شاهنشاهی، علیه آن اقدام پرخاشگرانه عملی کرده که به «نسل مبارز» و «عامل انقلاب» معروف است. دسته دیگر ضمن درک فرهنگ و ارزش‌های انقلاب در دهه بحران‌ها با نقش‌آفرینی در هشت سال دفاع مقدس به عنوان دسته دوم یا «نسل مدافعان انقلاب» معروف شده است. نسل سوم که پس از جنگ در عرصه سیاسی کشور ظاهر شده به «نسل سوم یا وارثان انقلاب» مشهور است. در واقع نسل اول، عامل انقلاب؛ نسل دوم، حافظ انقلاب و نسل سوم وارثان انقلاب اسلامی هستند به طور قطع یکی از لوازم و ضرورت‌های استمرار انقلاب اسلامی پیوند فرهنگی میان این نسل‌ها است. (مردان پور، ۱۳۸۱)

اگرچه سخن گفتن از شکاف فرهنگی نسلی در ایران به مطالعات میدانی دقیق نیاز دارد ولی مقایسه

آرمان‌ها، نگرش‌ها و مطالبات نسل سوم یا نسل‌های قبلی به روشنی بر وجود خطر بروز انقطاع فرهنگی میان آنها حکایت دارد. به عنوان نمونه بر روی درصد بالایی از ظروف، وسایل منزل، لوازم خانگی، لوازم التحریر، البسه، کیف مدارس و غیره که در ایران فروخته می‌شود عبارت انگلیسی و یا تصاویری بیگانه نقش بسته است. فروشنده‌گان نیز علاقه مشتریان را دلیل این کار می‌دانند.

در هر حال به نظر می‌رسد طیفی از نسل جدید کشور از بسیاری جهات با نسل دهه پنجاه و شصت شمسی تفاوت ماهوی دارد؛ به نحوی که دلبستگی اینان لزوماً دلبستگی آنان نیست. در واقع، وقت در وضعیت پیش آمده نشان‌دهنده آن است که اصولاً ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در دوران پس از جنگ تحول چشم‌گیری یافته است.

تأکید بر این نکته ضروری است که در شکل‌گیری شکاف فرهنگی نسلی و انقطاع ارزش پیش آمده میان نسل سوم با دو نسل گذشته، سستی و بی‌برنامگی مدیران فرهنگی در داخل کشور و تهاجم فرهنگی دشمن از خارج نقش‌آفرین بوده است. (روزنامه خراسان، ۱۳۷۹/۲/۳۱)

پنج. فرار مغزها

امروزه یکی از واقعیت‌های درناکی که جهان سوم از آن رنج می‌برد، خروج نیروهای متخصص و برخوردار از فنون و نوآوری‌های روز و مهاجرت آنان به کشورهای توسعه‌یافته اروپا و آمریکاست. این مهاجرت‌ها روزبه‌روز گسترش می‌یابد و کشورهای در حال توسعه را با کمبود نیروهای کارآمد و ورزیده برای اجرای برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی، فرهنگی و ... مواجه می‌کند.

نیروهای علمی متخصص و برخوردار از مهارت‌های تکنولوژیک به عنوان سرمایه‌ها و ذخیره‌های مادی و معنوی هر کشوری به حساب می‌آیند. از این رو، کشورها سالانه مبالغ و امکانات زیادی را برای تربیت و پرورش آنها صرف می‌کنند. امروزه اعزام دانشجویان به خارج برای ادامه تحصیلات و به دست آوردن تجربه و مهارت در انواع علوم و فنون به عنوان یک روش جاافتاده و شناخته شده تربیت و پرورش نیروی ماهر انسانی می‌باشد، اما موضوع مهم و اساسی این است که هر کشوری بتواند با برنامه‌ریزی و طرح‌های لازم و فوری از نیروهای کارآمد، تجربه دیده و تحصیل کرده خود استفاده بهینه و لازم را به عمل آورد.

در کشور ما نیز طی سال‌های گذشته به طور روز افزون، پدیده «فرار مغزها» و مهاجرت تحصیل کرده‌ها و متخصصان آثار زیان باری را بر ایران در بر داشته و تصویری نامأنوس و مخدوش از جامعه اسلامی ارائه کرده است. فرار مغزها از آن حیث برای نظام جمهوری اسلامی آسیب فرهنگی محسوب می‌گردد که مهاجران متخصص، عموماً با رویکردی مبتنی بر ناباوری فرهنگی به جامعه خویش ترک وطن می‌کنند. برخی آمارها حکایت از آن دارند که سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر برای خروج از کشور اقدام می‌کنند، تا حدی که ایران در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته، رتبه اول فرار مغزها را داراست و از میان ۱۲۵

دانش آموز المپیادی حدود ۹۰ نفر در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا تحصیل می‌کنند (روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۹/۲۲؛ نشریه آفرینش ۱۳۸۱/۲/۵، دوران امروز ۱۳۷۹/۱۲/۱۴)

بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول طی سال ۱۳۷۹ روزانه به طور متوسط ۱۵ نفر با درجه کارشناسی ارشد و ۳/۲ نفر با درجه دکتری از ایران ترک وطن کرده‌اند. در ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۸، ۱۶۶۴ نفر با تحصیلات علوم پزشکی برای خروج از ایران اقدام کرده‌اند و از مجموع ۴۳۰۰ نفر دانشجویی که برای ادامه تحصیل در سال‌های ۶۴ تا ۷۲ به خارج از کشور رفته‌اند ۱۲ درصد آنان هنوز به کشور باز نگشته‌اند همچنین از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷، ۱۵۱ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه‌های ایران از کشور خارج شده و باز نگشته‌اند (مجله الکترونیکی تکاپو، ۱۳۸۳/۴/۲۴)

شش. حاکمیت فرهنگ ترجمه در محافل علمی

با وجود آنکه طی سال‌های پس از انقلاب، گرایش و رغبت چشمگیر به وجود آمده برای تحصیل علم در کشور به عنوان یک نقطه قوت فرهنگی محسوب می‌شود، یک آسیب جدی نیز از نظر فرهنگی با عنوان «حاکمیت ترجمه» بر محیط‌های علمی اعم از آموزشی و پژوهشی کشور سایه افکنده است. این پدیده ناپه‌نجار فرهنگی در قالب ترجمه آثار غربی و تبلیغ و توزیع آن به جای تحقیق و پژوهش داخلی و بومی‌سازی اندیشه‌ها و معلومات علمی آموزشی مفهوم می‌یابد.

مقام معظم رهبری ضمن درک این آسیب، مسئولان و متولیان علمی فرهنگی کشور، اعم از حوزویان و دانشگاهیان را برای جبران این عقب ماندگی تاریخی به راه اندازی «جنبش نرم افزاری» توصیه فرمودند چنین جنبشی که به تعبیر مقام معظم رهبری جزو آرمان‌های انقلاب است، تحولی حساب شده در حوزه فکری و اندیشه برای تولید و اجتهاد علمی است. (روزنامه رسالت، ۱۳۸۲/۷/۸؛ روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۶/۱۱)

هفت. سایر آسیب‌ها و نقاط ضعف فرهنگی

امروز علاوه بر آسیب‌های فرهنگی پیش‌گفته، موارد دیگری از ضعف‌های فرهنگی اجتماعی در کشور ما وجود دارد که به منظور رعایت اختصار، به صورت کلی به آنها اشاره می‌شود:

یکه بی‌اعتنایی تعدادی از مسئولان و مدیران کشور به ارزش‌های دینی و روی آوردن به تجمل‌گرایی، فخر فروشی و رلت خواری. (ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۹۱۲؛ روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۶/۱۱؛ روزنامه رسالت، ۱۳۸۲/۷/۸)

دو. فقدان لگوسازی فرهنگی در حوزه‌های خدمت‌رسانی به مردم، وجدان کاری و پشتکار ملی، حفاظت از ذخایر زیرزمینی، حفاظت از محیط زیست، تکریم ارباب رجوع، حفظ کرامت و حرمت شهروندان. (نشریه آسیا، ۱۳۸۱/۱۱/۲)

سه. شیوع تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی در حوزه‌هایی نظیر اشتغال، توزیع درآمد، انتصاب مدیران و نابرابری فرصت‌ها. (نشریه شما، شماره ۱۸۵؛ روزنامه رسالت، ۱۳۷۹/۵/۹)

چهار. عدم تناسب میان تولمندی بزراری و تکنولوژی ارتباطی با رقبا و دشمنان در عرصه‌های اینترنت، کامپیوتر، ماهواره و مخابرات. (روزنامه لبرار، ۱۳۸۱/۴/۱۲)

پنج. ناکافی بودن تولیدات فرهنگی ارزشی. (روزنامه خراسان، ۱۳۷۹/۲/۳۱)

فرصت‌های فرهنگی

در صورتی که بهره‌برداری به موقع و صحیح از شرایط و تحولات رخ داده در زمینه‌های فرهنگی در عرصه خارجی، برای تحکیم علایق اهداف، منافع و امنیت ملی از سوی دست‌اندرکاران سیاست خارجی و فرهنگی صورت گیرد، فرصت فرهنگی خارجی برای نظام جمهوری اسلامی جلوه‌گر می‌شود.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و زایش ارزش‌های فرهنگی نو از سوی آن، شکست‌آلودگی مارکسیستی و اثبات ناکارآمدی مکاتب غیر الهی و نادیده گرفتن ابعاد و شئون غیر مادی انسان از سوی غیرمسلمانان، شرایط و تحولات فرهنگی مطلوبی را در عرصه خارجی در اختیار دست‌اندرکاران فرهنگی جمهوری اسلامی قرار داده است که از جمله آنها، صدور ارزش‌های فرهنگی اسلام و نبود آیدئولوژی قابل‌تکا در بین دشمنان اسلام است.

یک. صدور ارزش‌های فرهنگی اسلام

انقلاب اسلامی ایران در ربع قرن گذشته در پهنه کشوری به وقوع پیوست که رژیم حاکم قبل از انقلاب با در پیش گرفتن سیاست اسلام‌زدایی، در عمل درصد حذف دین از زندگی شهروندان بر آمده بود. علاوه بر این در طول تاریخ سیاسی اجتماعی معاصر ایران جنبش‌ها و حرکت‌های آزادی‌خواهانه قبلی نظیر جنبش ملی شدن صنعت نفت نیز ماهیت مذهبی نداشت. همچنین سایر انقلاب‌های رخ داده در قرن بیستم در عین حال که ماهیت مذهبی و دینی نداشتند بلکه بسیاری از آنها همانند انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ م روسیه و انقلاب کمونیستی ۱۹۴۹ م چین ماهیت ضد مذهبی داشتند با این حال یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران مبتنی بودن آن بر آموزه‌های فرهنگی اسلام بود.

متعاقب این پیروزی، موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با الگو برداری از انقلاب ایران با تحرک بیشتر به راه افتاد. در واقع الگوی موفق انقلاب ایران سبب گردید تا اسلام‌گرایان این منطقه استراتژیک با استمداد از ایران، خواستار تنظیم سیاست، اقتصاد، فرهنگ، قانون و آداب اجتماعی جوامع خود بر محور تعالیم فرهنگی اسلام ناب شوند. بدین ترتیب فرصت دو سویه‌ای در پیش روی دست‌اندرکاران فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و رهبران، اعضای جنبش‌ها و توده مردم کشورهای اسلامی قرار گرفت تا از

طریق استخراج ارزش‌های فرهنگی اسلام، رفتار فردی و اجتماعی خود را براساس آنها شکل دهند. در واقع، فرصت پیش آمده‌های جهان اسلام از جنبه‌های تقلیدی خارجی و به ویژه ارزش‌ها و الگوهای غربی را در پی دارد. این مهم به عنوان تهدید فرهنگی برای جهان غرب سلطه‌گرا و فرصت فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

برخی سیاستمداران کهنه کار آمریکایی با پی بردن به قدرت کارساز و بنیان برافکن اسلام‌گرایان جدید متأثر از ارزش‌های فرهنگی اسلام، بر ضربه‌پذیری و تهدیدآمیز بودن فرصت فرهنگی پیش آمده برای ایران و کشورهای اسلامی اعتراف می‌کنند. به عنوان مثال باری روپین مدیر کل مرکز گلوبالیا و نویسنده چندین کتاب در موضوع خاورمیانه در این رابطه چنین اعتراف کرد: «خیزش جنبش اسلامی با وجود عوامل پیچیده دیگر، بیشترین الهام را از لقلاب ایران گرفت». (سلیمی، ۱۳۸۴: ۶۴)

در مجموع، فراهم آمدن بستر صدور ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام برای متولیان و دست‌اندرکاران فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و اقبال جنبش‌ها و حرکت‌های اسلام‌گرای احیای تفکر دینی، فرصت فرهنگی استثنایی و ویژه‌ای را در اختیار نظام جمهوری اسلامی قرار می‌دهد که در صورت درک صحیح آن، ارزش‌های فرهنگی غرب را به چالش خواهند کشاند.

دو. فقدان ایدئولوژی قابل اتکا در خارج از حوزه اسلام

حذف مارکسیسم و کمونیسم به عنوان رقبای اصلی ایدئولوژیک تفکر اسلامی از یک سو و بروز تناقض‌های جدی و آشکار در مکتب غیر الهی لیبرالیسم، فرصت فرهنگی ارزشمندی را در اختیار نظام جمهوری اسلامی قرار می‌دهد تا از آن طریق بتواند ارزش‌های فرهنگی اسلام ناب همانند کرامت انسان، عدالت و آزادی را که آرزوی دیرینه بشریت است، به تشنگان حق و عدالت عرضه بدارد.

اکنون درحالی‌که سرمداران نظام لیبرال مکرسی، شعار مکرسی سر می‌دهند، با ملت‌هایی که در روندی مکرثیک به اسلام رأی داده‌اند، مقابله می‌کنند و همچنین درحالی‌که شعار آزادی زنان را سر می‌دهند، از دست رفتن کرامت زن و از هم پاشیدن بنیان خانواده را برای انسان غربی به ارمغان می‌آورند. نیز با سر دادن شعار آزادی، در برابر کشتار کودکان و جوانان فلسطینی، عراق و افغانستان سکوت می‌کنند. بنابراین، تناقض‌های آشکار میان گفتار و عمل مبلغان لیبرالیسم برای تمامی ملت‌ها و حتی مردمان جوامع غربی آشکار شده است. (قنبری، ۱۳۸۳: ۱۹)

بروز تناقض در لیبرالیسم سبب اقبال و گرایش روزافزون غیر مسلمان‌ها به اسلام به عنوان تنها و آخرین مکتب‌هایی‌بخش بشریت گردیده (روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۱/۲۳) که این از منظر فرهنگی فرصت مغتیمی را در اختیار مسئولان نظام جمهوری اسلامی قرار می‌دهد تا از طریق انتقال ارزش‌ها و آموزه‌های فرهنگی جذاب اسلام، انسان غربی را به اردوگاه اسلام رهنمون و هدایت کند.

علاوه بر موارد پیش گفته، فرصت‌های فرهنگی دیگری نیز پیش روی متولیان فرهنگی ایران قرار دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. امکان راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و اینترنتی؛
۲. امکان اعزام مبلغان مذهبی به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی؛
۳. فراهم بودن زمینه اعزام محققان و دانش پژوهان به سمینارها و کنفرانس‌های هم‌اندیشی دینی و اسلامی در سطح بین‌الملل؛
۴. امکان برقراری ارتباط با پیروان دین مبین اسلام در موسم حج.

تهدیدات فرهنگی

مقاصد، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات گوناگون فرهنگی رقبا و دشمنان نظام جمهوری اسلامی که در عرصه خارجی به منظور جلوگیری از موفقیت و ایجاد مخاطره در دستیابی به مقاصد، علایق، منافع بی‌شمار و امنیت ملی کشور جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، تهدیدات فرهنگی به حساب می‌آید که مهم‌ترین آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد:

یک. شیخون فرهنگی

پس از پایان جنگ تحمیلی و اثبات ناکارآمدی عملیات سخت‌افزاری علیه انقلاب اسلامی، دشمنان نظام اسلامی اعم از ایالات متحده، برخی کشورهای اروپایی و گروه‌های ضد انقلاب خارج نشین، خطمشی نرمی را برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از درون در پیش گرفتند که با مشخص شدن بُعد آن، «تهاجم فرهنگی» و یا «شیخون فرهنگی» نام گرفت.

رهبر فرزنده انقلاب، تهاجم فرهنگی را به معنایی می‌داند که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیرکردن یک ملت به بنیان فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. (روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۷/۲) از نگاه ایشان، اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا برای تحریف جوانان از سوی دشمن نه تنها یک تهاجم فرهنگی بلکه یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است.

(Khamenei.ir، ۱۳۷۷/۴/۲۲)

تمامی ملت‌های جهان در کنش، واکنش و تعامل با یک‌دیگر هستند و هیچ یک از جوامع بشری را نمی‌توان از داشتن رابطه با سایر جوامع باز داشت. در این صورت، در مقابل تهاجم فرهنگی که درصدد وارد ساختن ضربات مهلک و زیان بار بر فرهنگ ملت دیگر است، تبادل فرهنگی وجود دارد که عبارت است از یک جریان مداوم طبیعی و مستمری که هدف آن کامل کردن فرهنگ خودی از طریق استفاده و بهرمندی از خصوصیات برتر سایر فرهنگ‌ها است.

هدف مهاجمان به فرهنگ ایران اسلامی، بر اندازی نظام جمهوری اسلامی و تهیی کردن ارزش‌های آن و مسخ جوآن کشور است. «دیوید کیو» یکی از مهرهای سازمان سیا در ارتباط با هدف نهایی تهاجم فرهنگی آمریکا علیه ایران چنین می‌گوید:

مهم‌ترین حرکت در براندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم. (ماهانامه پلس مار اسلام، شماره ۲۴۶)

نخست وزیر وقت اسرائیل در تابستان سال ۱۳۸۱ از کنگره آمریکا خواست تا از طریق تهاجم تبلیغات ماهواره ای نظام جمهوری اسلامی را تغییر دهد. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۷/۱۶) دشمن در تهاجم فرهنگی علیه فرهنگ کشور ایران از ابزارها و شیوه‌های نوین ارتباطی بهره می‌گیرد که عبارتند از:

۱. مستهجن نگاری و دروغ پردازی در اینترنت؛ (پانبر، ۱۳۸۳: ۳۶؛ هاقس، ۱۳۸۳: ۴۳)

۲. تهیه و ارسال برنامه‌های نرم افزاری؛ (روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۷/۱۶)

۳. تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی؛ (روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۴/۳)

۴. چاپ و انتشار کتب و نشریات؛

۵. حمایت و پشتیبانی از نویسندگان و فیلمسازان دگراندیش.

دو. جهانی‌سازی فرهنگ

جهانی‌سازی فرهنگ غربی، می‌تواند بسیاری از کشورها را با چالش مواجه کند؛ زیرا جهانی شدن فرهنگ به مفهوم گسترش فرهنگ آمریکا در پهنه جهان است. از این رو تضعیف بنیان‌های فرهنگی یک ملت از طریق جهانی‌سازی فرهنگ امکان‌پذیر می‌شود. در واقع، ترویج فرهنگ آمریکایی در متن جهانی‌سازی قرار دارد. فرهنگ آمریکایی خود را برترین فرهنگ می‌داند و درصد است به شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به فرهنگ مسلط جهانی تبدیل شود. اندیشه سلطه‌جویانه فرهنگ آمریکایی می‌تواند تأثیر زبان‌سازی روی سایر فرهنگ‌های محلی، از جمله ایران بر جای گذارد. برخی از آثار زیانبار این پدیده عبارتند از:

۱. رهبری ایدئولوژیک

فرهنگ آمریکایی در پی دستیابی به رهبری ایدئولوژیک جهانی است و نگاه تک‌بعدی و مادی‌گرایانه به انسان دارد. بر این اساس در حوزه رهبری ایدئولوژیک آمریکایی نیز همه تجزیه و تحلیل‌ها در حیطه فناوری مادی، و همه دل‌مشغولی‌ها محدود به بهینه‌سازی و بهره‌وری این‌نیایی است. در این فرهنگ که نقش پالایشگاهی پیدا می‌کند، تنها کسان او هستند که تشخیص می‌دهند چیزی خالص و درست و یا ناخالص و نادرست است. با این رویکرد، مقلبه با نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی فرهنگ‌سازان آمریکایی مشروع جلوه می‌کند. (دهشیار، ۱۳۷۹: ۴۵۷ و ۴۳۷)

۲. همسان‌سازی فرهنگی

متولیان آمریکایی در تلاش‌اند تا ارزش‌های همسو و همگن آمریکا را در کشورهای اسلامی و ایران پدید آورند در صورت تحقق این همسویی، تفسیر واحدی از پدیده‌های پیرامون بین مردم و مسئولان کشور صورت می‌گیرد و این آغاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی است. یکی از راه‌های همسان‌سازی فرهنگی، هویت‌زدایی فرهنگی است. در واقع، مسخ تاریخی یا هویت‌زدایی تاریخی یکی از راه‌های جهانی‌سازی فرهنگ است که در صدد پاک‌سازی گذشته افتخارآمیز و ایجاد بی‌تفاوتی نسبت به آینده از ذهنیت یک ملت و محصور کردن آن در روزمرگی است. (همان)

۳. غربی‌سازی فرهنگی

در جهانی شدن درصد هستند تا سایر ملت‌های غیر غربی از جمله ایران، از فرق سر تا نوک پا، فرنگی شوند به تعبیر دیگر جهانی‌سازان غربی به سایر ملت‌ها القا می‌کنند که هر چه دارند بر زمین بگذارند؛ زیرا تنها راه نجات و یا دستیابی به توسعه، پیروی از فرهنگ غرب است. آنها برای نیل به غربی‌سازی ایران و جهان، به تولید و تجارت کالاهای فرهنگی بیش از پیش توجه می‌کنند از آنجا که در فرایند جهانی‌سازی، کالاهای فرهنگی ارزان، گسترش دهنده تفکر سرمایه‌داری و سمبل فرهنگی غرب است، شیوه تولید برای عرضه کالاهای صنعتی ارزان به کالاهای فرهنگی ارزان متحول گردیده است. (ولایتی و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۰ و ۹۳)

سه. سایر تهدیدات فرهنگی

یک. همجواری کشور با سکولاریسم دولتی ترکیه و امکان سرایت این اندیشه به داخل کشور؛ دو. گسترش ابتذال در کشورهای پیرامونی و کشیده شدن دامنه آن به داخل؛ سه. ایجاد جاذبه و انگیزه کاذب در فرهیختگان علمی و فرهنگی و تشویق آنان برای خروج از کشور؛ چهار. تقویت و پشتیبانی از فرقه‌های ضالّه بهائیت و عرفان‌های نوظهور همانند شیطان پرستی در ایران؛ پنج. وجود نظام علمی غربی (و لزوم تحول در حوزه‌های مختلف علوم به‌خصوص علوم انسانی).

نتیجه

تا قبل از انقلاب اسلامی، نظامی در رأس قدرت ایران بود که همانند نظام‌های سیاسی نیبای غرب، درحالی که رویکردی اومانیستی و ضددینی داشت، مردم نیز با اندیشه‌های حاکمان آن، قربلتی نداشتند اما انقلاب اسلامی، اندیشه‌ای الهی را عرضه کرد و تولدست بعد جدیدی از زندگی را با تعریف نماید و عموم مردم را در عمیق‌ترین لایه‌های وجودی با خود همراه کند. این اندیشه، احیاکننده شکل و محتوای جدیدی از حکومت بود که با شکستن مبانی علمی سیاست و قدرت

در جهان، حاکمیت را از آن خداوند دلست؛ عالی‌ترین مرتبه لسانی را عبودیت تلقی کرد و مأموریت خود را زمینه‌سازی ظهور آخرین فرستاده خداوند برای تعالی و پیشرفت هرچه بیشتر لسان در بعد مختلف بیان داشت. با این وصف، پس از گذشت سه دهه از عمر نظام برآمده از لقلاب اسلامی و قرار گرفتن در چهارمین دهه آن، استخراج قوت‌ها و ضعف‌ها و شناخت تهدیدها و مدیریت فرصت‌های فرهنگی فراروی نظام مردم‌سالار دینی حاکم بر ایران امروز، یک امر عقلائی و اصل مسلم علمی است.

جمهوری اسلامی با طی فراز و نشیب‌های فراوان در سال‌های ابتدایی دهه چهارم لقلاب در عرصه داخلی از استعدادها، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های متعدد به عنوان نقاط قوت در حوزه فرهنگ برخوردار گردیده است. مواردی از قبیل برخورداری از تمدن کهن ایرانی اسلامی، تطبیق فرهنگ عمومی با آموزه‌های اسلام، یگانگی ارزشی و آرامش فرهنگی، مدل تحول و توسعه لسانی دین‌محور، نوع دوستی و احساس همدردی نسبت به همنوع، تحول در ایفای نقش زنان و گرایش به دانش‌دوئی از قوت‌های فرهنگی مهم ایران است. با وجود این، ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر مدگرایی، خانه‌گریزی، افزایش طلاق، گسترش اعتیاد به همراه کجروی مدیران فرهنگی، غرب‌آرمانی، خطر لقطاع فرهنگی نسل جوان و تضعیف ارزش‌ها در جامعه، فرار مغزها، حاکمیت فرهنگ ترجمه در محافل علمی از جمله مهم‌ترین ضعف‌های فرهنگی در جامعه ایران، پس از سومین دهه لقلاب می‌باشد.

در قلمرو خارج از مرزهای ایران، جمهوری اسلامی از قابلیت و امکان صدور ارزش‌های فرهنگی اسلام در کنار نبود ایدئولوژی قبل لکا در خارج از حوزه اسلام به عنوان فرصت‌های فرهنگی برخوردار است. گرچه این فرصت‌های فرهنگی با تهدیدات جدی در این حوزه مواجه است؛ تهدیداتی چون شیخون فرهنگی، جهانی‌سازی فرهنگ، مستهجن‌نگاری و دروغ‌پردازی در اینترنت، فرهنگ ایرانی - اسلامی حاکم بر جامعه ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد.

به طور قطع، آنچه در قالب فرصت، تهدید، قوت و ضعف‌های فرهنگی استخراج و تبیین شد می‌تواند از سوی استراتژیست‌های درون حاکمیت، نخبگان علمی و مسئولان سیاسی و امنیتی در تدوین راهبردهای فرهنگی مؤثر افتد. در واقع آنچه در این نوشتار بیان گردید، نگرشی وضعیت‌سنج با بررسی استراتژیک در حوزه فرهنگ در راستای ارتقاء کارآمدی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران بود که شایسته است بعداً مختلف آن از سوی پژوهشگران مورد بازبینی و کنکاش علمی دقیق‌تر قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. احدی، حسن، ۱۳۷۸، «بررسی مسائل روانی اجتماعی تهاجم فرهنگی بر نوجوانان و جوانان»، نشریه نامه

پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵، زمستان ۷۸.

۲. احسانئی، ابن ابی جمهور، ۱۳۷۸، *عوالی اللالی*، ترجمه محمدرضا ضمیری، ج ۱، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۳. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، *خبرنامه* شماره ۸۵۰.
۴. جمعی از روحانیون حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، *آزادی یا توطئه*، قم، فیضیه، چ ۵.
۵. چانبر، دین، ۱۳۸۳، «مستهجن نگاری در اینترنت و تأثیر آن بر نوجوانان»، *مجله سیاحت غرب*، شماره ۱۲.
۶. دهشیار، حسین، ۱۳۷۹، «جهانی شدن: تک‌هنگاری طلبی ایالات متحده امریکا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۴، شماره ۲۱، تابستان ۷۹.
۷. رسایی، حمید، ۱۳۸۰، *پایان داستان غم‌انگیز*، تهران، انتشارات کیهان.
۸. *روزنامه ابرار*، ۱۳۸۱/۴/۱۲.
۹. *روزنامه اعتماد*، ۱۳۸۲/۱۲/۲۷.
۱۰. *روزنامه توسعه*، ۱۳۸۱/۹/۲۱.
۱۱. *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳۷۸/۷/۲۱.
۱۲. *روزنامه خراسان*، ۱۳۷۹، «دختران جوان و گرایش به مد»، ۱۳۷۹/۱۱/۲۳.
۱۳. *روزنامه خراسان*، ۱۳۷۹/۲/۲۹ و ۱۳۷۹/۲/۲۱ و ۱۳۷۹/۲/۳۱ و ۱۳۸۱/۹/۱۰.
۱۴. *روزنامه رسالت*، ۱۳۷۹/۵/۹ و ۱۳۸۲/۷/۸.
۱۵. *روزنامه شرق*، ۱۳۸۸/۹/۲۲.
۱۶. *روزنامه صبح امروز*، ۱۳۷۸/۶/۲۷.
۱۷. *روزنامه کیهان*، ۱۳۷۹/۱/۲۳ و ۱۳۸۲/۶/۱۱ و ۱۳۸۲/۷/۱۶.
۱۸. *روزنامه همبستگی*، ۱۳۸۱، «آرایش مد یا یک اعتراض خاموش»، ۱۸ و ۱۳۸۱/۷/۲۰.
۱۹. *روزنامه همبستگی*، ۱۳۸۲/۶/۲۹.
۲۰. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۲، *نشریه چشم انداز ارتباطات فرهنگی*، ش ۶، آذر ۸۲.
۲۱. سربخش، علیرضا، ۱۳۸۲، «شبیخون فرهنگی از اینجا آغاز می‌شود»، *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۲/۷/۱۶.
۲۲. سلیمی بنی، صادق، ۱۳۸۴، *مباحث سیاسی*، تهران، نمسا.
۲۳. شهبازی، عبدالله، ۱۳۸۲، «جنگ سرد فرهنگی»، *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۲/۴/۳.
۲۴. قنبری، آیت، ۱۳۸۳، «فوکویاما و تعارضات درونی در نظریه پایان تاریخ»، *نشریه بگانه حوزه*، ۱۳۸۳/۲/۱۹.
۲۵. *ماهنامه پاسدار اسلام*، شماره ۲۴۶ و ۹۱۲.

۶۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی لقلاب اسلامی، س ۱۰، زمستان ۹۲، ش ۳۵

۲۶. ماهنامه دنیای سخن، مرداد ۱۳۷۷.

۲۷. مجله الکترونیکی تکاپو، ۱۳۸۳/۴/۲۴.

۲۸. مردان پور، ناصر، ۱۳۸۱، پروژه تحقیقی بحران هویت و انقطاع فرهنگی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

۲۹. معاونت سیاسی نیروی مقاومت بسیج، ماهنامه هدایت، شماره ۱۸.

۳۰. نشریه آبادی، ۱۳۸۲/۴/۴.

۳۱. نشریه آسیا، ۱۳۸۱/۱۱/۲ و ۱۳۸۱/۱۰/۷.

۳۲. نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴.

۳۳. نشریه آفرینش، ۱۳۸۱/۲/۵.

۳۴. نشریه حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۲، «خانه دوست کجاست؟»، ۱۳۸۲/۶/۳.

۳۵. نشریه دادرسی، ۱۳۷۹، ش ۲۴، سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۷۹.

۳۶. نشریه دوران امروز، ۱۳۸۱/۱۲/۱۴.

۳۷. نشریه سیری در مطبوعات، شماره ۲۳.

۳۸. نشریه شما، شماره ۱۸۵.

۳۹. نشریه کیان، مهر و آذر ۱۳۷۸ شماره ۱۰.

۴۰. نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱، مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات زنان مسلمان.

۴۱. ولایتی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۸۰، «فرایند جهانی شدن، آثار و پیامدهای آن»، ماهنامه مونت، ش ۴۴،

مرداد ۱۳۸۰.

۴۲. هاقس، زندرا، ۱۳۸۳، «اینترنت، دروغ‌پردازی و روابط عاشقانه»، مجله سیاحت غرب، ش ۱۲، خرداد ۸۳.

۴۳. هفته‌نامه آبان، شهریور ۱۳۷۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی